

بهترین انیمیشن‌های تاریخ سینما

بیداری رؤیاها

یار رؤیاهای بیداری

این عدم توافق، با توجه به پیشرفت‌های تکنولوژیک در فرایند فیلمسازی در ۲ دهه اخیر، خیلی هم تعجب‌برانگیز نیست. به سادگی نمی‌شود گفت «آواتار» جیمز کامرون انیمیشن است یا لایو اکشن. خود کامرون که معتقد است فیلمش انیمیشن نیست و همه جزئیات فیلم را باز یگران ساخته‌اند، ولی می‌شود با نظرش موافق نبود. بسته به اینکه در تحلیل و تفسیر سینمایی دیجیتال به کدام فلسفه و رویکرد متوسل می‌شوید، تعیین انیمیشن بودن یا نبودن فیلم‌ها هم متفاوت خواهد شد. با این حال هنوز هم به سادگی

نماد زندی
مشتري انيميشن نيستند مي گذرد. در اين ۳ دهه، انيميشن‌هاي در جهان ساخته شده و به نمايش در آمده که بزرگسالان را هم با خود همراه ساخته و انيميشن را به طيف وسيعي از فيلم‌ها، سبک‌ها و تکنیک‌ها تبديل کرده است. انيميشن چنان حيطه گسترده و متنوعي شده که بعيد است سازندگان، منتقدان و طرفدارانش سر تعريف يکسان و واحدی از اينکه انيميشن چيست به توافق برسند.

نوازنده شکست خورده انيميشن «روح» که در زندگي نتوانسته دنبال رؤيای نوازندگي‌اش برود و تازه پس از مرگ در عالم ارواح شجاعت لازم را برای تغيير زندگي‌اش به دست می آورد، چقدر شما را به خطر کردن و پی رؤياهای تان رفتن ترغيب کرده؟ همین اواخر، انيميشن معمولی «لئو» چقدر دیده شد و پیام ساده و عملی‌اش که مامی را هروقت از آب بگیري تازه است، به دل‌ها نشست. در راهنمای ژانر این شماره ۱۶ انيميشن مهم تاریخ سینما را که از دیدن‌شان لذت خواهید برد معرفی کرده‌ایم.



SPIRITED AWAY
شیر اشباح
محصول ژاپن سال ۲۰۰۱
کارگردان: هایائو میازاکی



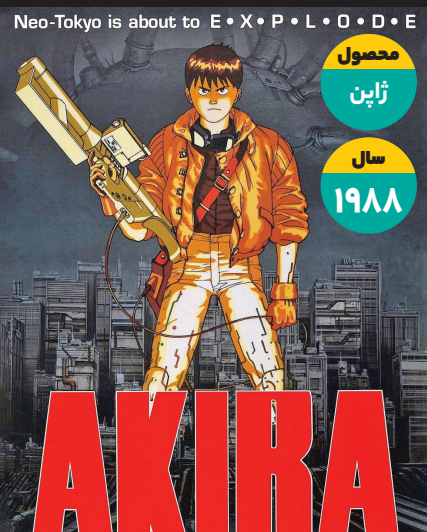
محصول ژاپن سال ۱۹۹۷
آبی تمام عیار
کارگردان: ساتوشی کن
A SATOSHI KON FILM



محصول آمریکا سال ۱۹۹۵
داستان اسباب‌بازی
کارگردان: جان لستر



محصول آمریکا سال ۱۹۹۴
شیر شاه



محصول ژاپن سال ۱۹۸۸
اکیرا
کارگردان: کاتسو هیرو اوتومو



محصول فرانسه سال ۱۹۷۳
سیاره شگفت‌انگیز
کارگردان: ژرنه لوکس



محصول آمریکا سال ۱۹۵۰
سیندرلا
کارگردان: دیوید هند



محصول آمریکا سال ۱۹۴۵
بامبی
کارگردان: دیوید هند

بی‌شک با تون میازاکی بزرگ‌ترین کارگردان انیمیشن ژاپن در تاریخ سینماست و نامش هم در دین کسانانی چون والت دیزنی و جان لستر قرار دارد. روی هر کدام از انیمه‌های میازاکی که دست بگذارید جای در فهرست بهترین انیمیشن‌های تاریخ سینما دارد. از کیفیت بصری غنی و خیال‌انگیز آثارش بگیری، تاسیب روانی، موسیقی و هر عاملی که می‌تواند به جذابیت یک انیمیشن کمک کند، در کارهای او به حد اعلا رسیده است. «شیر اشباح» مشهورترین اثر میازاکی درباره دختری (ساله است که تلاش دارد پدر و مادرش را که به خاک تبدیل شده‌اند نجات دهد، اگر این قصه یک خطی بریتان عجیب است، خود انیمیشن هوش از سر تان می برد.

بگذارید اهمیت این انیمه جذاب را با این ماجرا شرح دهیم: دارن آرونوفسکی، کارگردان مشهور آمریکایی، بابت بازسازی نعل به نعل صحنه وان حمام این انیمیشن در فیلم «مرثیه‌ای بر یک رؤیا» ۵۹ هزار دلار به ساتوشی کن پرداخت کرد. بعدها دوباره آرونوفسکی در فیلم «قوی سیاه» تکه‌هایی از این انیمیشن را بازآفرینی کرد. همین که کارگردانی خلقی مثل آرونوفسکی اینچنین تحت تأثیر این انیمیشن است، نشان می‌دهد یا چه اثری مواجیم. راز امیز، مهیج، پر تعلیق و در مرز خیال و واقعیت: دختر جوانی از دنیای خوانندگی وارد دنیای بازیگری می‌شود، اما یکی از هوادارانش از این تصمیم اوراضی نیست.

وقتی نخستین قسمت «داستان اسباب‌بازی» در سال ۱۹۹۵ اکران شد، رسانه‌ها آن را به عنوان نخستین انیمیشن تمام کامپیوتری تاریخ معرفی می‌کردند که بدون دخالت دستان پر مهارت استادان انیماتور قدیمی تولید شده است. در آن دوران هنوز خبری از فناوری‌های پیشرفته امروزی نبود و انیمیشن‌های دوست‌داشتنی‌شان، به فانتزی‌هایی جان می‌دادند که هم هوش از سر کودکان می‌برد و هم بزرگسالان را به حماسه‌ساز بزرگ سینما باشد، چشم‌اندازهایی باشکوه و حیواناتی با جاه‌طلبی ریاست بر سایران را در داستانی درگیرکننده به تصویر می‌کشد. این داستان گذر از کودکی به بزرگسالی شیرجه‌ای است که می‌خواهد پنجه جای پنجه پدرش بگذارد.

شیر شاه مرده: زنده‌باد شیر شاه. تقریباً می‌توان «شیرشاه» را خلاصه کرد به مرگ شیر پدر و بر جای نشستن شیر پسر. ولی همه چیز به همین سادگی هم نیست. شیر پسر تا به شیرشاه بدل شود باید سفر دور و درازی را از سر بگذراند. این انیمیشن که چه بسا ادای دین کمپانی دیزنی به دیوید لین است، حماسه‌ساز بزرگ سینما باشد، ریاست بر سایران را در داستانی درگیرکننده به تصویر می‌کشد. این داستان گذر از کودکی به بزرگسالی شیرجه‌ای است که می‌خواهد پنجه جای پنجه پدرش بگذارد.

۳۰ سال پس از جنگ جهانی سوم، توکیو به شهری بسیار بزرگ و صنعتی تبدیل شده که گروه‌های خلافکار شب و روز در آن با هم می‌جنگند. علت وقوع جنگ جهانی سوم کودکی به نام آکیرا بوده که توانایی‌های خاصی داشته. یکی از اعضای ضعیف گروه‌های خلافکار که صاحب قدرتی عجیب شده، آکیرا را پیدا می‌کند، ولی آکیرا چیزی نیست که او فکرش را می‌کرده. او تومو-تو گفته منبع الهامش دهه ۱۹۷۰ توکیو بوده که نظاره‌های دانشجوئی، موتورسواریان، جنبش‌های سیاسی، گنگستران و جوانان بی‌خانمان در آن وجود داشتند. کیفیت بالای گرافیکی این انیمیشن یکی از دلایل موفقیت آن بود.

انیمیشنی سوررئال که دیدنش تجربه‌ای منحصر به فرد است و البته اگر اهل تجربه چیزهای نامتعارف نباشید، شاید چندین بار مذاق تان خوش نیاید. جز رنه لالو کس، دیگر آدم مهم و مؤثر «سیاره شگفت‌انگیز» هنرمند کارتون‌بیس‌رولان توپور بود که در نوشتن فیلمنامه و طراحی تولید این انیمیشن هم نقش داشت. «سیاره شگفت‌انگیز» داستانی ۲ نژاد Oms است که در سیاره Ygam زندگی می‌کنند. Omsها از نظر جثه اندازه انسان و تحت ظلم و ستم Draagsهای غول‌پیکر و آبی‌رنگ هستند که با مدخله یک دختر Draags جادویی در این وضع رخ می‌دهد؛ تصاویر این انیمیشن جادویی به نقاشی‌های سوررئالیستی شباهت دارد.

این داستان اسطوره‌های همان قدر که به دختران جوان می‌قبولاند فقط کافی است صبور و خوش‌قلب باشند تا بخت در خانه‌شان را بزنند و به خوشبختی برسند، به زعم فمینیست‌ها، مروج اعتقادات ناروايي است که باور دختران جوان را به توانایی‌های خودشان تضعیف می‌کند. با این همه، در این انیمیشن والت دیزنی، سیندرلا را مظهر همه خوبی‌هایی است که یک دختر جوان آرزویشان را در سر می‌پروراند. نامادری بدجنس سیندرلا هم تجسمی از همه نیروهای شر و شومی است که نمی‌خواهد زیبایی، دانایی و کاردانی سیندرلا را باور کند و فقط به حماقت از دختران نالایق خودش می‌اندیشد که استعدادشان در کرنش کردن است.

بچه‌گوزنی که مادرش را از دست داده باید به تنهایی در جنگل زندگی کند. این داستان دقیقاً مناسب سال ۱۹۴۵ بود که جنگ جهانی دوم تمام شد. میلیون‌ها کودک در سراسر قاره سبز و سیاه نقاط دنیا باید راه و رسم زندگی را بدون اینکه راهنما و بزرگ‌تری داشته باشند می‌آموختند و می‌توانستند گلیم‌شان را از آب بیرون بکشند. جنگلی که بامبی در آن با می‌گیرد و تجربه به دست می‌آورد، استعاره‌ای از جامع جنگ‌زده است که حماقت از دختران نالایق خودش کمین کرده و بچه‌گوزن معصوم و زیبایی مثل بامبی برای آموختن راه و رسم زندگی در این محیط نیازمند دوستانی زرنگ مثل تامپر خرگوشه است.



لاکپشت قرمز
THE RED TURTLE
محصول فرانسه و ژاپن سال ۲۰۱۶
کارگردان: مایکل دودوک دی ویت



محصول آمریکا سال ۲۰۱۵
انومالیزا
کارگردان: چارلی کافمن و دوک جانسون



محصول آمریکا سال ۲۰۰۹
مری و مکس
کارگردان: آدام الیوت



محصول آمریکا سال ۲۰۰۹
کورالین
کارگردان: هنری سلیک



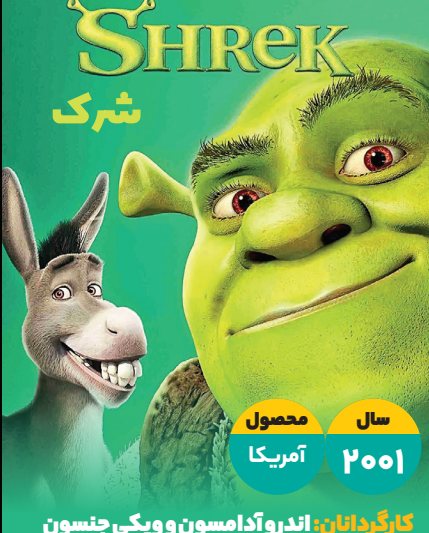
محصول آمریکا سال ۲۰۰۳
در جست‌وجوی نemo
کارگردان: اندرو استون، لی آنکریج



محصول آمریکا سال ۲۰۰۲
عصر یخبندان
کارگردان: کریس وچ



محصول آمریکا سال ۲۰۰۱
شرکت هیولاها
کارگردان: پیترداکتر



محصول آمریکا سال ۲۰۰۱
شرک
کارگردان: اندرو آدامسون و ویکی جنسون

اگر در انیمیشن دنبال آواز و حرکات موزون و دیالوگ‌های با مزه هستید، این انیمیشن به هیچ وجه مناسب شما نیست. این انیمیشن بی‌کلام است و صدای طبیعت و موسیقی گوش‌نواز راوی آن. مردی که با جریان آب به جزیره‌ای متروک و دورافتاده آورده شده، تصمیم می‌گیرد با باقی‌مانده جزیره بگریزد، اما لاک پشت قرمز عظیم‌الجثه‌ای بزرگ‌ترین مانع بر سر راه او برای راهی‌اش است. مرد برای بازگشت به اجتماع و خلاصی از طبیعت هر چه در توان دارد روی می‌کند، اما خلاصی واقعی او در صلحی است که با طبیعت نصیبش می‌شود. «لاک پشت قرمز» تماشاگرش را به فکر می‌اندازد که زندگی در طبیعت چه بیایی دارد؟

مردی میانسال به نام مایکل که متخصص خدمات مشتریان است برای سخنرانی در کنفرانسی وارد هتل فرگولی می‌شود. هتل فرگولی در ظاهر هیچ شباهتی به هتل اورلوک فیلم «درخشش» (۱۹۸۰) استیلی کوبریک ندارد که سخنانش را به اترزومی‌کشاند، روح‌شان را با سیاهی تغذیه می‌کند و دست آخر باعث جنون‌شان می‌شود. در واقع فرگولی برای مایکل به مراتب بدتر از اورلوک است. در این هتل است که مایکل با خودش و زندگی پوچ و بی‌روحش مواجه می‌شود. این انیمیشن که با تکنیک استاپ مومن ساخته شده همان روح فیلمنامه مشهور «درخشش ابدی» یک ذهن پاک را دارد؛ عمگین و دریغ‌خوار که با سردی رانالیبستی‌اش بر گشت‌ناپذیر بودن زندگی را توی گوش مخاطب می‌زند و خوشبختانه با یانی نسبتاً خوش دارد.

انیمیشن استاپ مومن را اصولاً گرم و گیرا تر از انیمیشن دو بعدی و سه بعدی می‌دانید یا نه؟ اگر فکر می‌کنید استاپ مومن فضایی صمیمی و دوستانه دارد، «کورا لاین» حسایی غافلگیر تان می‌کند. اگر فکر می‌کنید که استاپ مومن اصولاً فاقد صمیمیت و جذابیت انیمیشن‌های دو بعدی و سه بعدی است، از سر اتفاق شروع به نامه‌نگاری می‌کند با مکس و خانواده‌اش از هم‌پاشسیده دارد در هشت‌سالگی و چهل و چهار ساله چاق و مشکل‌دار در روابط اجتماعی. رابطه این دو به تدریج عمیق‌تر می‌شود و مثل هر رابطه دوست‌ساله دیگری به مشکل می‌خورد. مری و مکس مستعدند که به تیره‌روزی‌های زندگی‌شان باشد وحدت‌آکنش نشان دهند و همین ویژگی هم هست که برای تماشاگر ملموس‌شان می‌کند. انیمیشنی ماندگار با تکنیک استاپ مومن.

در دنیا به جست‌وجو در اغلب انیمیشن‌ها قابل تشخیص است. انگار از روز اول که قرار بر با گرفتن انیمیشن بوده، طالع شخصیت‌های انیمیشن را با جست‌وجو و سفر پسر خودش و دنیای اطرافش می‌آورد دیده‌اید. یکی دیگر از انیمیشن‌های ماندگار سال‌های آغازین هزاره سوم میلادی که تا همین امروز خاطره خوش آن در ذهن تماشاگرانش باقی مانده، «عصر یخبندان» است؛ داستانی درباره دوستی، مدارا، پذیرش تفاوت‌ها و در عین حال احترام به محیط‌زیست با شخصیت‌های دوست‌داشتنی‌ای مثل مندی و سید که زوج ناجور اما جدانشدنی‌ای هستند. درامی ساده‌ای و آکشن و ماجراجویی که شوخی‌های بازم‌هاش به حفظ قوام و انسجامش کمک زیادی کرده.

حتی اگر فرنیچاز «عصر یخبندان» را هم ندیده باشید، احتمالاً آن سنجایی را که با جنگ و دندان برای حفظ دانه بلویش خودش را به آب آتش می‌زند و بلاهای زیادی پسر خودش و دنیای اطرافش می‌آورد دیده‌اید. یکی دیگر از انیمیشن‌های ماندگار سال‌های آغازین هزاره سوم میلادی که تا همین امروز خاطره خوش آن در ذهن تماشاگرانش باقی مانده، «عصر یخبندان» است؛ داستانی درباره دوستی، مدارا، پذیرش تفاوت‌ها و در عین حال احترام به محیط‌زیست با شخصیت‌های دوست‌داشتنی‌ای مثل مندی و سید که زوج ناجور اما جدانشدنی‌ای هستند. درامی ساده‌ای و آکشن و ماجراجویی که شوخی‌های بازم‌هاش به حفظ قوام و انسجامش کمک زیادی کرده.

عصر یخبندان
کارگردان: کریس وچ

شرکت هیولاها
کارگردان: پیترداکتر

اندر آدامسون و ویکی جنسون
کارگردان: پیترداکتر